

گاهنامه هنر و مبارزه

20 نوامبر 2018

جنگ علیه تروریسم بهانه ای برای جنایت علیه توده های مردم

نوشته برونو گیگ^۱

مرکز پژوهشهای جهانی سازی

18 نوامبر 2018



¹ Bruno Guigue

درباره برونو گیگ : مقام عالی رتبه دولت فرانسه، مقاله نویس و سیاست شناس، استاد فلسفه در دبیرستان و استاد یار روابط بین المللی در دانشگاه رئونین. او نویسنده 5 کتاب است «منشأ جنگ اسرائیل و عرب، ندامت پنهان غرب، هارماتان 2002»، «آیا باید لنین را سوزاند؟»، «دلایل برده داری» از جمله این کتابهاست و سدها مقاله برونو گیگ بخشدار شهر سنت، در سال 2008 به دلیل نوشتن گزاره ای که به «نباید گفت ها تعلق دارد» یعنی افشای «ارتش اسرائیل کودکان فلسطینی را به قتل می رساند» از سوی میشل آلیو ماری وزیر کشور فرانسه از مقام خود بر کنار شد.

تکبر آنانی که خیال می کنند از ران ژوپیتر زاده شده اند حتا با چشم غیر مسلح نیز قابل رؤیت است. رهبران غربی دوست دارند خودشان را با ارزشهای جهان شمول بیارینند، و یا با اتکا به چنین پیش فرضی به همهٔ جهانیان درس بدهند. گوئی بر تخت خدایگان مینوس برای قضاوت مردگان پیش از فرستادنشان به دنیای برزخی تاتاروس نشسته باشند (خدائی که مورد عنایت خاص افلاطون نیز بوده است) امتیازات خوب و بد، مجازات و پاداش هایشان را تقسیم می کنند. ولی تا اطلاع ثانوی، این داوران خدشه ناپذیر خوب و بد، سانسور کننده های خود برگزیده در پیشگاه بقیهٔ جهان بشریت خیلی به دور از خدایان کهن بوده و نسبتی با آنان ندارند. ولی ما می توانیم تشخیص دهیم تا چه اندازه این نمایندگان امپریالیسم بی شرم « بشر و حتا خیلی بشر » هستند و تجربه نیز به ما نشان داده است که رأی اینان همواره بر این اصل استوار بوده که « همیشه کاری را که من به شما می گویم انجام دهید، ولی هرگز به کاری دست نزنید که من به آن دست می زنم ».



انتشار یک پروندهٔ پژوهشی توسط انستیتو واتسون^۲ نشان داده است که ایالات متحده از 11 سپتامبر 2001 برای « جنگ علیه تروریسم » 5900 میلیارد دلار خرج کرده است. این جنگ قهرمانانه حق علیه باطل به وسعت 76 کشور یعنی 39٪ از کشورهای جهان هزینهٔ عظیمی را بخود اختصاص داده که معادل مجموع تولید ناخالص داخلی فرانسه و بریتانیا است. ولی این موضوع فاجعه بارتر از همه نیست : زیرا بانیان جنگ علیه تروریسم می توانند به میزان نتایج انسانی بی بدیل آن نیز مفتخر باشند. بر اساس

² Brown University, USA

همین پرونده، در عملیاتی که از سوی ایالات متحده آمریکا در عراق، افغانستان و پاکستان در کوران این مدت انجام گرفته بین 480000 و 507000 نفر کشته شده اند. بر اساس گمانه زنی پژوهشگرانی که این پرونده را نوشته اند باید به قربانیان مستقیم جنگی که واشنگتن به پا کرده قربانیان غیر مستقیم آن را نیز اضافه کنیم که تعداد شان خیلی بیشتر است. این نیم میلیون قربانی فقط یک گمانه زنی در سطح بسیار نازل بوده و آن را باید در حد بخش قابل رؤیت کوه یخی در اقیانوس تلقی کنیم. زیرا در مجموع 76 کشور از سوی ایالات متحده آمریکا هدف سخاوتمندانه این جنگ صلیبی ضد تروریستی قرار گرفته اند و اگر محاسبه قربانیانی که روی محراب خیر تقدیم خدایان شده اند به دقت انجام بگیرد، تعداد شان خیلی سرسام آورتر خواهد بود.

متأسفانه تعداد قربانیان باز هم خیلی بیشتر خواهد بود اگر قربانیان محاصره و تحریمهای مرگباری را که کشورهای ثروتمند علیه کشورهای فقیر به راه می اندازند محاسبه کنیم، و به ویژه محاصره عراق که سبب مرگ نیم میلیون کودک شد، مادلن اولبرایت³ وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا چهره نمادین حقوق بشر را به یاد می آوریم که می گفت این « بهائی بود که باید پرداخت می شد». ولی آیا موضوع مهم برای غربی ها این نیست که وجدانشان آرام داشته باشد؟



در فردای حمله هسته ای به هیروشیما و ناکازاکی که 220000 کشته بر جا گذاشت، بی آنکه ضرورت نظامی داشته باشد، ژنرال های ایالات متحده این رویداد را همراه با خانواده هایشان به شکل عاداتی که به آئین دائمی تبدیل شد با یک کیک به شکل قارچ اتمی جشن می گیرند.

ریشه دار در ناخودآگاه جمعی ملتی است که خود را برگزیده خدا می داند، این هویت مفروض در پیوند با عمل خیر خواهانه در چیدمان ارقام، محاسبه مرگ آفرینی

هایش که روی پنهان سکه نیکی نزد ملتی الگوواره است خدشه ای وارد نمی کند که همواره با تشعشعات نورانی خود جهان را به شگفتی واداشته است. با این وصف، چند میلیون قربانی در کشورهای دور دست چه اهمیتی دارد تا وقتی که آمریکا در تخیلاتش از روش زندگی امریکائی⁴ برخوردار است؟

³ Madeleine Albright

⁴ American way of life

فرد ساده دلی که با چنین میزانی از خسارات انسانی بهت زده می شود می تواند تصور کند که دست کم مبارزات واشنگتن علیه تروریسم به موفقیت هائی نیز دست یافته است. ولی به کجا باید نگاه کنیم تا آثار مثبت این تلاش عظیم شوالیه سفید دموکراسی را ببینیم؟

در واقع، یگانه نقطه ای از جهان که به پوزۀ تروریستها واقعاً ضربه وار شد سوریه بود، یعنی کشوری که با روسیه هم پیمان است و می دانیم که روسیه قویاً در تخریب دستگاه تروریستهائی که از سوی هم پیمانان واشنگتن تأمین مالی می شدند شرکت کرد، یعنی کشوری که مورد نفرت ایالات متحده است. در حالی که ایالات متحده آمریکا بی شرمانه اجازه داد تا داعش پالمیرا را در سال 2014 تصرف کند. علاوه بر این، قانقاریای تروریسم هماهنگ با ضرب آهنگ مداخلات ارتش آمریکا گسترش یافت، گوئی آنانی که سر می بریدند از کامیون های ارتش آمریکا و توطئه چینانش پیاده شده بودند. بی گمان دونالد ترامپ برای انکار چنین واقعیتی با پافشاری و شهامت فوق العاده ای ایران را به منشأ تروریسم در خاورمیانه متهم کرد⁵. انحراف خاص گفتمان رسمی در غرب، یعنی واژگون جلوه دادن بی شرمانه حقیقت که عبارت است از نسبت دادن اعمال پست خود به حریف مقابل – که نقطه اوج تاریخی آن احتمالاً در سال 2018 واقع شده است.

ولی کافی نبود، و جبهه خوبان هرگز از براهین زیرکانه کم نمی آورد خصوصاً وقتی که باید از قبول مسئولیت جنایاتش شانه خالی کند. زیرکانه تر از سنت واژگون سازی حقیقت – که اندکی با مسخرگی و ابتذال در وضعیت مماس قرار می گیرد – در فضای کارشناسی غرب «نظریه اشتباه استراتژیک» – بر اساس تعریف عمل ناخواسته را گویند – طرفداران پر شوری وجود دارد. نظر به نتایج جنگ مفروض علیه تروریسم، تهیه کنندگان عادی ساده دل که صحنه تلویزیون را اشغال کرده اند پاسخ می گویند که جنگ عادلانه و صحیح بوده ولی منحرف شده است. می بایستی علیه تروریستها مبارزه می کردند، البته، ولی با هوشیاری. برای نمونه، درباره سوریه، به اصطلاح کارشناسان توضیح می دهند که غرب قربانی «توهم» شومی شده بود، زیرا به توازن نیروهای محلی به دقت آشنائی نداشت، یا اینکه مأموران سیا به زبان عربی آشنائی نداشتند، و کوتاه سخن این که ضعف کارشناسی وجود داشته... و در ادامه می گویند: ولی اگر به کارشناسان واقعی گوش کرده بودند، امروز به اینجا نمی رسیدیم.

اگر بین خطوط را بخوانیم، رهبران دموکراسی شجاع ما خواهان وارد آوردن چنین خساراتی نبوده اند، نیت آنان خوب بوده ولی مشاورین و مجریان بی کفایت بوده اند. نقطه کور این نظریه، اینجا است که ناآگاهی از واقعیات و بی شرمی سیاسی را مخلوط می کند، و روی اولی اصرار می ورزد تا دومی را در اذهان تحریف کند.

⁵ مترجم: یعنی همان تبلیغات و گفتمانی که ما غالباً در رسانه های اپوزیسیون های پنتاگوئی طبیعتاً مزدور خائن می شنویم و یا می خوانیم.



دلیل و برهان های تقلبی مانند « توهّم » یا « اشتباه استراتژیک » را دائماً برای اثبات نقد « نرم » و بی آزار سیاست غربی به کار می برند ولی با وجود توفیق در کسب اعتبار فزاینده مانع از این امر نیست که از مسمومیت بالائی برخوردار است. زیرا در نور پردازی روی آنچه می خواهند نشان دهند، روشنگریهایشان دچار اختلال می شود و سرانجام به کتمان واقعیت نهائی می انجامد. ادعای جنگ علیه تروریسم به این دلیل که ناآگاهان و افراد ناکارآمد آن را هدایت می کرده اند به شکست نیانجامیده است. بلکه خیلی به دور از آنکه جنگ علیه تروریسم باشد، در واقع اهداف دیگری را پی گیری می کرده است. برای درک این موضوع کافی است به مداخلات امپریالیست‌ها از سال 2001 نگاهی بیاندازیم. القاعده که توسط سیا ایجاد شده بود تا در افغانستان علیه کمونیست‌ها بجنگند، نه القاعده و نه شبکه های دیگر مانند النصره و داعش با پشتیبانی های مالی و نظامی رژیم‌های سلطنتی نفتی خلیج فارس) هیچگاه از خشم واشنگتن خدشه ای بر دامنه شان وارد نشد. و شایسته وزارت امور خارجه خواهد بود که برای جبران خسارت به بیوه بن لادن، به پاس خدمات نیکو و وفادارانه در مقام بهترین مأمور سازمان سیا، پانسیون را در نظر بگیرد که سزاوار او باشد.



از وقتی که ایالات متحده آمریکا علیه تروریسم اعلام جنگ کرد نه تنها تروریسم هرگز تا این اندازه شکوفا نبوده بلکه [گوئی فقط بر حسب اتفاق] کشورهای مستقلی که امروز مانند دیروز عملاً باید با حمله تروریستی مقابله می کردند از مدتها پیش در فهرست سیاه شاهین های پنتاگون به ثبت رسیده بودند. اشغال افغانستان، تخریب عراق، لیبی، سودان، تجاوز به سوریه و تحریم ایران، گرسنگی دادن به یمنی ها :

به گفته میشل رامبو جنگ علیه تروریسم بهانه ای ست برای تخریب سازماندهی شده ساختارهای دولتی در «خاورمیانه بزرگ». اگر نخواهیم بپذیریم که جنگ علیه تروریسم در واقع جنگ برای گسترش تروریسم و تداوم هرج و مرج در این بخش از جهان که انباشته از معادن نفت و به همین گونه ملتهای نافرمان است هرگز سیاست غرب در منطقه را درک نخواهیم کرد.

خلاف گفتمان رایج رهبران سیاسی غرب درباره « دشمن مرگبار، اسلام گرائی افراطی », گفتمانی که مناسب ساده اندیشان است، آنانی که کارشان بریدن سر آدمهاست هیچ عملی علیه سیاست فرادست مدارانه

⁶ Michel Raimbaud, . Tempête Sur le Grand Moyen-Orient, le monde arabo-musulman entre l'Empire atlantique et l'Eurasie
<https://nos-medias.fr/video/michel-raimbaud-tempete-sur-le-grand-moyen-orient-le-monde-arabo-musulman-entre-l-empire>

مترجم : نویسنده کتاب « توفان در خاور میانه بزرگ. جهان عرب و مسلمان بین امپراتوری آتلانتیک و اوراسیا». 31 ژانویه 2017. میشل رامبو خاصه در تعریف جغرافیائی خاورمیانه بزرگ تازگی دارد به این علت که کشورهایی مانند اندونزی را نیز جزء آن بحساب می آورد. در واقع از دیدگاه رامبو «خاورمیانه بزرگ» بر اساس خواست سیاسی آمریکا از آتلانتیک تا اندونزی تعریف می شود.

ایالات متحده آمریکا انجام نداده اند. یعنی سیاستی که مشخصاً برای تداوم خود به این نیروهای مخرب نیازمند است. مزدور و بز گر گله، جهاد طلب از هر نوع دستمال کاغذی مورد نیاز امپراتوری جنایت را عرضه می کند.

تکبر تحقیر آمیز و دروس اخلاقی تحمل ناپذیر رهبران غربی در واقع جدار دودی ست که به سادگی و با خیال آسوده روی گورهای می پراکنند که مسئولیت اجساد می که در آنجا خفته اند روی دوش آنان سنگینی می کند. این امر نه تنها ناسزاگوئی به هوش ملت‌های ست که به آنان گوش می دهند بلکه بخصوص، دورادور از همه و خیمتر، بی شرمی در رابطه با ملت‌های ست که از سوی آنان به مرگ و فقر محکوم شده اند.

در این توطئه، پرچم دروغین^۷ مرگبار یک قاعده و بمباران کور نیز یک روش عملیاتی ست، از کابل تا بغداد، از طرابلس تا صنعا و از موصل تا دمشق، ایالات متحده آمریکا همه رکوردها را شکسته است، ولی هم پیمانان فرانسوی و بریتانیایی، این سگ‌های جنگی امپراتوری نیز از ارتکاب به جنایت در سطح توده ها کم نیاورده اند. باید پرسیم که بجز این سه کشور، چند کشور دیگر در جهان وجود دارد که می تواند ادعا کند که این همه در کشورهای دیگر جنگ به پا کرده، این همه تحریم اقتصادی به کشورهای دیگر تحمیل کرده و این همه ملت‌های مستقل را به بی ثباتی گرفتار کرده است؟ اگر از میهن دوستی حتا بهره ناچیزی برده باشند، شهروندانشان به خیابانها می آمدند و خواستار توقف جنایات افسار گسیخته علیه ملت‌های می شدند که هیچ حرکتی علیه آنان انجام نداده اند، و حتا برخی از این مردمان با ساده دلی تمام به ارزشهای غرب ورشکسته باور داشتند.

آدرس الکترونیک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/la-guerre-contre-la-terreur-alibi-dun-crime-de-masse/5628963>

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/20 نوامبر 2018

⁷ false flag